

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام با جنایت و بی قانونی چگونه برخورد می کند؟

(ترجمه)

این روزها، مباحث داغ در مورد قانون، عدالت و امنیت وجود دارد؛ چنانچه این مباحث از جمله عالی ترین موضوعات اخلاقی جامعه دیموکراتیک هستند که هر دولت به شهروندانش وعده یک کشور امن و دادگر را می دهد. اما آیا واقعاً چنین است؟ آیا امروزه بشر در یک زمانی زندگی می کند که عدالت و قانونی بودن و صلح و آرامش وجود دارد؟ و یا مردم جهان تحت یک سایه تاریک و مواجه با جنایت، بی قانونی و فقدان امنیت به سر می برند؟

اگر به چند مثالی از وضعیت فعلی جهان نگاهی بیندازیم، تصویر واقعی وضعیت بشریت را درک خواهیم کرد:

بر اساس آمارهای سایت اقتصاد جهانی (Global Economy) در سال 2016م میانگین میزان سرقت در هر 100 هزار جمعیت 783 سرقت بوده است. هم چنان بر اساس آمارهای سایت "knoema" السلوادور کشوری با بلندترین آمار قتل و کشتار در جهان است. تا سال 2016م میزان قتل و کشتار در السلوادور 82.8 مورد در هر 100 هزار جمعیت بود. هندارس، وینزویلا، جامیکا و بلیز هم چنان شامل پنج کشور برتر اند. چیلی با میزان بالای دزدی کشور برتر در جهان است که تا سال 2016م میزان سرقت 1193.9 مورد در هر 100 هزار جمعیت بود. دنمارک، اتریش، سویدن و استرالیا نیز شامل پنج کشور برتر اند.

ارجنتاین کشور برتر با میزان بالای راهزنی در جهان است؛ چنانچه تا سال 2016م میزان راهزنی 988.9 مورد در هر 100 هزار جمعیت بود. چیلی، اوروگوای، اکوادور و پاراگوای نیز مشمول پنج کشور برتر بود. سویدن کشور برتر با میزان بالای تجاوز جنسی در جهان است که تا سال 2015م میزان تجاوز جنسی 56.7 مورد در هر 100 هزار جمعیت بود. ایسلند، گایانا، امریکا و السلوادور نیز از جمله پنج کشور برتر است. لبنان کشور برتر با میزان آدم ربای در جهان است که تا سال 2016م میزان آدم ربای در لبنان 177.7 مورد در هر 100 هزار جمعیت بود و ترکیه، کانادا، پاکستان و سنت وینسنت شامل پنج کشور برتر دیگر اند. گرینیدا کشور برتر با میزان زیاد تجاوز در جهان است که تا سال 2016م میزان تجاوز 1721.9 مورد در هر 100 هزار جمعیت بود و سنت وینسنت و گرینیدینس، باربیدوس، فرانسه و کولمبیا مشمول پنج کشور دیگر با میزان بالای تجاوز اند.

اینها فقط چند مثالی بود که واضح می سازد مفکوره قانونی بودن، امنیت و عدالت تحت نظام دیموکراتیک و دیگر نظام های ساخت بشر خیال و پوچی بیش نیست. نظامی که فعلاً در جهان حاکم است، با طبیعت انسان سازگاری نداشته و تنها هرج و مرج را در میان جامعه ایجاد می کند. مفکوره ماده گرای، آزادی های بی قید و شرط منجر به فقر شدید، استفاده از موادمخدر و الکولی، عدم پاسخگویی به مشاکل، فساد در سیستم ها، فساد، ارتشاء و دیگر مشکلات شده است. حتی جرم و جنایت در بسیاری از کشورها به شکل همه شمول شده است.

حالا سوال این جاست که اسلام چگونه جرم و جنایت، بی قانونی و ناامنی را حل و از آن جلوگیری می کند؟ ما می دانیم که جامعه جاهلی عرب (قریش) در زمان رسول الله ﷺ نیز تحت سایه تاریک جهالت زندگی می کردند. یکی از مثال های جالب توجه از زندگی اعراب قبل از اسلام آن بود که آن ها هرگز اعتراف به قدرت و اقتدار دیگران نسبت به قدرت و سلطه رسای قبیله شان نکرده و آن ها کدام قانون و نظم مشخصی نداشتند. تنها قانون زمین بی قانونی بود. جعفر ابن ابوطالب به پادشاه حبشه در مورد این که آن ها قبل از اسلام چگونه بودند، چنین تعریف کرد: «ما مردم جاهلی بودیم که بت ها را عبادات می کردیم، گوشت حیوانات مرده را می خوردیم، اعمال زشت را مرتکب می شدیم، به خویشاوندان مان بی توجهی می کردیم، به همسایه گان مان بدی می کردیم و قوی ما بالای ضعیف ستم می کرد...»

اسلام با ظهورش طریقه زندگی اعراب جاهل را تغییر داد. اسلام به موجودیت انسان مفهوم بخشید و برای اعمال فردی، که انجام می شود، اصل پاداش و مجازات را پیشکش می کند؛ یعنی اعمال را بر اساس پاداش و مجازات بنا می کند. اسلام به این که الله سبحانه و تعالی همیشه ما را می بیند، آگاهی ایجاد کرد و هم چنان مفهوم تقوی را به مسلمان ایجاد می کند. برعکس پیامد در نظام سرمایه داری آنست که انسان قادر به کنترل علایق و خواسته هایش خواهد بود و در دام های ماده گرای و آزادی هایی که البته منجر به افزایش بداخلاقی می شود، دچار نمی شود. در این مورد رسول الله ﷺ از ریختن خون برای قبیله و یا نفع شخصی و هم چنان از سرقت و زنا منع فرمودند. به این معنی که او ﷺ از هر نوع اعمالی که امنیت دارای، زندگی، عزت و شهرت مردم را تهدید کند، منع فرمودند. افتراء، غیبت و درامد ناعادلانه مانند: سود، بازار سیاه و ارتشاء نیز منع شده بودند. به عنوان مثال: در جامعه عرب، هنگامی که عضوی از یک قبیله کشته می شد؛ سپس همان قبیله قادر بود تا با کشتار بسیاری از اعضای قبیله قاتل انتقام اش را بگیرد؛ اما اسلام این عرف قبیله ای را کاملاً رد کرد.

از زمانی که اسلام از هر نوع قتلی که اساس قانونی ندارد، منع کرد، مطابق به شریعت اسلامی تنها قاتلی که جرم بالایش ثابت شد، با مجازات قتل روبرو است. مثال دیگری برده داری بود. رابطه ارباب و برده ای مظلوم و ستم دیده، حقارت و بهره برداری بود که اسلام هم چنان این رابطه را تغییر داد و الله سبحانه و تعالی از بهره برداری برده گان توسط ارباب های شان منع فرمود:

﴿وَلَيْسَتَعَفِيفِ الدِّينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنَ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [نور: 33]

ترجمه: و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا الله از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند! و آن بردگان تان که خواستار مکاتبه [=قرار داد مخصوص برای آزاد شدن] هستند، با آنان قرار داد ببندید، اگر رشد و صلاح در آنان احساس می کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند) و چیزی از مال الله را که به شما داده است به آنان بدهید! و هر کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید؛ اگر خودشان می خواهند پاک بمانند! و هر

کس آن‌ها را (بر این کار) اجبار کند (سپس پشیمان گردد)، الله بعد از این اجبار آن‌ها غفور و رحیم است! (توبه کنید و بازگردید تا الله شما را ببخشد!)

مثال دیگر آن سرقت است. در درهٔ ودان، که مکه را به خارج آن وصل می‌کند، یک قبیله بنام غیفر زندگی می‌کرد. غیفر بخاطری حمله و تجاوز بالای کاروان‌های تجارتي و اشغال همسایه‌های ضعیف‌شان بدنام بودند. آن‌ها بی‌رحم و بی‌قانون بودند که حتی به چهار ماه مقدس محرم - که توسط تمام قبایل عرب مصوون نگهداشته می‌شد و به هیچ شخصی اجازهٔ قتل و خون‌ریزی را نمی‌داند - احترام نمی‌کردند. در مجموع تمرکز آن‌ها بالای راه‌هایی بود تا دیگران را مورد چپاول قرار دهند. با این حال و وقتی آن‌ها اسلام را پذیرفتند، این رفتار بد را برای این که دین منع کرده بود، ترک کردند. در حقیقت اسلام حکم کسی را که سرقت می‌کند، چه مرد و یا زن باشد، مشخص کرده است و آن هم قطع دست‌شان به عنوان مجازات به نسبت آنچه که انجام داده‌اند می‌باشد.

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [مائده: 38]

ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و الله توانا و حکیم است.

رسول الله ﷺ دستور به کسب درآمد از راه حلال و کسب آن را از راه حرام منع فرمودند. هم‌چنان او ﷺ بالای کسی که فریب و غش می‌کرد، خشمگین شد و هنگامی دریافت که قسمت بالای گندم خشک ولی قسمت پایان و پوشیدهٔ آن تر است، فرمود: آنانی که غش می‌کنند، از ما نیستند. «مفهوم رزقی که آن را الله سبحانه و تعالی قبل از تولد مقرر و تعیین کرده است، یکی از مهم‌ترین مفاهیم اسلامی است که از اغوا کردن مردم برای افزایش مال‌شان از طریق سرقت، راهزنی و یا تقلب جلوگیری می‌کند. بر علاوه تنها نظام اقتصادی اسلام به هر شهروند ضروریات اساسی زندگی را به طور عادلانه تأمین نموده و امکان آن را - که بخش از جامعه دچار فقر شده و بخش دیگری از جامعه در رفاه زندگی کند و هم‌چنان جامعه را به سوی تباهی و فساد مالی هدایت کند - کاهش می‌دهد.

موضوع دیگر ایجاد امنیت در داخل جامعه یک بود. اعمار اولین مسجد، عنصر مهمی پایه‌های برادری و یک قدم مهم در زمینهٔ ایجاد نزدیکی، مهربانی، مهر و همکاری و امنیت در میان مسلمانان بود. بر علاوه ساختار سیاسی که در داخل مسجد به انجام رسید، تأمین کنندهٔ امنیت رابطهٔ متقابل بین مردم و دولتی بود که رسول الله ﷺ در مدینه رهبر آن بود؛ با مسلمان و غیرمسلمان مطابق با اصول عدالت و مساوات، که تضمین کنندهٔ حقوق‌شان باشد، رفتار می‌کرد که آن در قانون اساسی اسلامی برای دولت خاص و موقوف شده بود. بر علاوه در جامعهٔ اسلامی یک رأی عام و قوی اسلامی برای اعمال خوب و دوری از اعمال زشت و فاسد وجود دارد که این رأی عام جرئت را از افراد برای ارتکاب اعمال قبیح و زشت می‌گیرد.

هنگامی که اسلام حاکمیت را به دست گرفت، تمام معیار و سنت‌های زشت اجتماعی ناپدید شدند. نشان می‌دهد که اسلام چگونه جهان‌بینی جامعهٔ عرب را که بالای آن حاکمیت می‌کرد و بر علاوه بلادی که تحت اداره و فرمانروای اش قرار داشت، به شکل ریشه‌ای

و بنیادی اصلاح کرد. اسلام رسوم و آداب جاهلی را ریشه کن و آن‌ها را با عقاید والا و متعال و معیارها و رسوم اسلام، به شمول حساب‌دهی هر شخص در اعمالش به یک مقام والاتر؛ یعنی الله سبحانه و تعالی تعویض کرد. اسلام جنایت، بی‌قانونی و ناامنی را در هر سرزمینی که به عنوان نظام تطبیق شود، به حداقل می‌رساند. اسلام جامعه را دگرگون و آن را به یک ملت با شکوه، باعزت و رهبر جهان - که توانای تأمین امنیت و حراست به هر رعیت‌اش دارد، تبدیل می‌کند. این دقیقاً روشنای و تغییری است که امروز انسان به آن نیاز دارد. همان‌طوری که اسلام به آوردن روشنایی سایه جاهلیت را از جامعه عرب جاهلی دور کرد، به همین روش تنها اسلام می‌تواند انسان را از جرایم همه‌جاگیر، بی‌قانونی و فقدان امنیت امروزه جهان آزاد کند.

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: 108]

ترجمه: بگو: این راه من است من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی الله دعوت می‌کنیم! منزّه است الله و من از

مشرکان نیستم!

نویسنده: امانه عابد

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

10 رمضان 1440 هـ.ق

15 می 2019 م